**تاثیر برخی عناصر راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی**

**چکیده**

پژوهش حاضر به بررسی تاثیر راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران اوراق بهادار می‌پردازد. در این پژوهش اطلاعات مالی 128 شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی بین سال‌های 1389 تا 1394 مورد بررسی قرار می‌گیرد. در اين پژوهش از مدل رگرسیون ترکیبی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که مالکیت نهادی، استقلال هیئت مدیره و کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر منفی و معناداری دارد، به عبارت دیگر، با افزایش سطح مالکیت نهادی، استقلال هیئت مدیره و در صورت بالا بودن کیفیت حسابرسی، سطح عدم تقارن اطلاعاتی شرکت ها کاهش می‌یابد.

**واژه های کلیدی:** راهبری شرکتی، کیفیت حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی.

**مقدمه**

یکی از بازارهایی که به شدت تحت تأثیر نامتقارن بودن اطلاعات قرار می گیرد، بازار سرمایه است. نقش اصلی بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار به عنوان یکی از اجزاي این بازار، جذب و هدایت نقدینگی در اقتصاد به سمت تأمین سرمایه بوده، به گونه‌اي که منجر به تخصیص بهینه منابع کمیاب مالی شود. دستیابی به این مهم منوط به وجود یک سازوکار کارآ و شفاف از طریق ایجاد شرایط رقابتی در بازار سرمایه است. براي ایجاد شفافیت در یک بازار سرمایه، قابل دسترس بودن اطلاعات مهم ترین عامل است. هر چه اطلاعات مرتبط با بازار سرمایه به صورت شفاف که اصطلاحاً اطلاعات متقارن نامیده می‌شود، بیشتر باشد، تأثیرگذاري این بازار بر رشد و توسعۀ اقتصادي بیشتر خواهد شد. تلاش جهت ایجاد امکان دسترسی مساوي به اطلاعات و شفافیت اطلاعاتی و راهبری رقابت گامی در جهت ایجاد کارآیی و تخصیص بهینه منابع در بازار سرمایه تلقی می شود. از جمله راهکارهاي پیشنهادي جهت ایجاد شفافیت اطلاعاتی استفاده از ساز و کارهاي راهبری شرکتی است. راهبری شرکتی شامل قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی که موجب دستیابی به هدف‌هاي پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذينفعان می‌گردد، می‌باشد. از جمله مهمترین عوامل تأثیرگذار بر راهبری شرکتی سرمایه‌گذاران نهادي، مدیران غیر موظف هیأت مدیره، تعداد اعضاي هیأت مدیره، تفکیک نقش مدیر عامل از ریاست هیأت مدیره، کمیته حسابرسی، و ... می‌باشند [7].

از سوی دیگر كيفيت خدمات حسابرسي ارائـه شـدة حسابرسـان مسـتقل، مي‌تواند بر كيفيت گزارشگري مالي اثرگذار باشد. دستيابي به كيفيت بالاي گزارشگـري مـالي، بستگي به درستي و صحت عملِ هر يك از حلقه هاي زنجيرة عرضه گـزارشگـري مـالي دارد و حسابرسي مستقل كه يكي از حلقه‌هاي اين زنجير است، تأثير عمده اي در حفظ و تقويت كيفيـت گزارشگـري مـالي دارد [16]. در سـال‌هـاي اخيـر، سرمايه‌گذاران و سهامداران خود را در حصاري از خبرها و آگهي‌هاي مربوط به انجام موارد خلاف قاعده در حسابداري گرفتار مي‌بينند. اين بينظمي‌ها و موارد خلاف عرف حسـابداري، نـام‌هـايي چون حسابداري متهورانه، مديريت سود و حسابداري فريب آميـز بـه خـود گرفتـه اسـت. در ايـن وضعيت، حسابرسي مستقل فرايند نظارتي اي است كه به منظور كاهش عـدم تقـارن اطلاعـاتي و كنترل آزادي عمل مديران در گزارشگري مالي اسـتفاده مـي شـود [1]. حسابرسي مستقل، آثار نامطلوب تفكيك مالكيت و مديريت را با كاهش عـدم تقـارن اطلاعـاتي بين استفاده‌كنندگان و تهيه‌كنندگان صورت‌هاي مالي، رقيق مي‌كند. از اين رو، خدمات حسابرسي مستقل، ابزار كاهش ريسك اطلاعاتي و افزايش كيفيت گزارشگـري مـالي محسـوب مـي شـود [15]. بر این اساس سوال اصلی پژوهش این است که آیا راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر دارد؟ بر این اساس در ادامه مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش مطرح شده و پس از طرح فرضیه و متغیرهای پژوهش به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته می‌شود.

**مبانی نظری و پیشینه پژوهش**

بدون ترديد در تئوري حسابداري مالي، نامتقارن بودن اطلاعات يكي از مهمترين موضوعات مورد بحث مي‌باشد. عدم تقارن اطلاعاتي زماني پديدار مي‌شود كه يك يا چند سرمايه گذار به اطلاعات محرمانه‌اي در مورد ارزش شركت دسترسي دارند و اين در حالي است كه مابقي سرمايه‌گذاران، تنها به اطلاعات عمومي دسترسي داشته باشند. علت اين امر، نبود يك جريان قوي از اطلاعات شركت‌ها به بازار مي باشد. هنگامي كه چنين وضعي وجود داشته باشد، به اصطلاح مي‌گويند كه بازار داراي يك ويژگي خاص است و آن را نامتقارن بودن اطلاعات مي‌نامند. يكي از اثرات اطلاعات نامتقارن اين است كه بر سر راه فعاليت درست بازار مانع ايجاد مي‌نمايد. نتايج پژوهش‌ها حاكي از اين مي‌باشد كه عدم تقارن اطلاعاتي، ناشي از بي قاعدگي در جمع آوري و پردازش اطلاعات، به عنوان ماحصل روش‌ها و مهارت‌هاي متفاوت بكار گرفته شده توسط سرمايه‌گذاران مي‌باشد [10].

نكته اصلي مطرح شده در بازارهاي پولي و مالي، به ويژه بازار سرمايه، موضوع كارايي بازار است كه بر طبق آن، اثرات تمام اطلاعات موجود در بازار، در قيمت سهام منعكس مي‌گردد. شايد بتوان از منظر فرضيه بازار كارا، فلسفه وجودي حسابداري را عدم تقارن اطلاعاتي دانست كه در آن، يك طرف معامله اطلاعات بيشتري نسبت به طرف ديگر دارد [10].كيفيت بالاي صورت‌هاي مالي مي‌تواند عدم تقارن اطلاعاتي بين سرمايه‌گذاران را كاهش و نقدينگي بازار سرمايه را افزايش دهد [3].

بر مبناي ادبيات مالي و حسابداري، گزارشگري مالي از جمله منابع اطلاعاتي مهم و قابل توجه بازارهاي سرمايه هستند. پيامد كيفيت ضعيف اطلاعات حسابداري، شامل كاهش كيفيت محيط اطلاعاتي شركت، افزايش اصطكاك بازار در قالب عدم تقارن اطلاعاتي، اطلاعات ناقص و كاهش نقدشوندگي است. بنابراین كيفيت اطلاعات مالي از مهم ترين مباحث مطرح در حسابداري و دغدغه هميشگي آن بوده است [2]. در واقع اطلاعات حسابداري مكانيزمي را فراهم مي‌آورد كه به واسطه آن اطلاعات درون سازماني به سرمايه‌گذاران و بازارهاي سرمايه انتقال مي‌يابد. با انتقال اطلاعات به بازارهاي سرمايه، شناخت از كيفيت پروژه هاي شركت افزايش يافته و در نتيجه، هزينه سرمايه مطالبه شده با كيفيت پروژه تناسب خواهد داشت. از سوي ديگر، اطلاعات حسابداري امكان كنترل بيشتر سرمايه‌گذاران بر فعاليتهاي مديريت را افزايش داده و بنابراين مديران را از انجام سرمايه‌گذاري‌هايي كه بر مبناي منافع سرمايه‌گذاران تبيين نگرديده است، منع مي‌كند [4]. اگر توانايي سرمايه‌گذاران در پردازش اطلاعات مرتبط با سود متفاوت باشد به كيفيت پايين سود منجر می‌شود و در نتیجه سرمايه‌گذاران به طور متفاوتي اطـلاعات كسب كنند و اين امر عدم تقارن اطلاعاتي را تشديد مي‌نمايد [19].

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد وجود حسابرسی مستقل با کیفیت می‌تواند به عنوان راه حلی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی صورت‌های مالی در نظر گرفته شود. كيفيت حسابرسي، مفهومي چند وجهي است كه مي‌توان آن را از ديدگاه‌هاي مختلـف بررسـي كـرد. در يكي از ديدگاه‌ها، گزارش حسابرسي نوعي محصول شمرده مي‌شود و كيفيـت ايـن محصـول از لحاظ مطابقت با استانداردهاي تعيين شده، بيان كنندة كيفيت حسابرسـي اسـت. در ديـدگاه ديگـري، حسابرسي نوعي خدمت در نظر گرفته مي‌شود كه بايد توسط اشخاص واجـد شـرايط ارائـه شـود و فرايند انجام اين خدمت و ارائة گـزارش نتـايج آن، تـابع ضـوابط و اسـتانداردهاي خـاص اسـت. در صورتي كه خدمات ياد شده، از لحظة شـروع تـا پايـان كـه گـزارش حسابرسـي اسـت، مطـابق بـا استانداردها و ضوابط تعيين شده ارائه شود، كيفيت لازم را دارد [16]. از سـه بعد نظارتي، اطلاعاتي و تضمين كنندگي مي‌توان به دلايـل تقاضـاي بـازار سـرمايه بـراي خـدمات حسابرسي با كيفيت بالاتر توجه كرد. در نقش نظارتي، مالكان براي نظارت بر نماينده، جلـوگيري از رفتارهاي فرصت‌طلبانه، عدم تقارن اطلاعاتي و كاهش هزينه‌هاي نماينـدگي، بـه حسابرسـي روي مي‌آروند. در نقش اطلاعاتي، از نظر سرمايه‌گذاران، حسابرسـي نـوعي سـازوكار در راسـتاي بهبـود كيفيت اطلاعات مالي اسـت كـه فراينـد ارزشـمندي تلقـي مـي‌شـود. در نقـش تضـمين كننـدگي، حسابرسان با ضمانت كردن كيفيت اطلاعات مندرج در صورت مـالي، هزينـه هـاي نشـات گرفتـه از دعاوي حقوقي را كاهش مي‌دهند و مديران را در مقابل اشخاص ثالث بيمه مـي‌كننـد [15.12].

همچنین برخی پژوهشگران سازوکارهای نظام راهبری شرکتی را به عنوان راهکاری جهت ایجاد شفافیت اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی پیشنهاد نموده‌اند. مالکیت نهادی و استقلال هیات مدیره از جمله سازوکارهای نظام راهبری شرکتی هستند که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

مالکیت نهادی، درصد سهام نگهداری شده توسط سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری است [20]. امروزه نقش سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان واسطه انتقال وجوه و پس اندازها به بازار سرمایه و مدیریت منابع در بازارهای مالی روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد [13]. الگازار (1998) بیان می‌نماید سهامداران نهادی که ثروت و منابع مالی زیادی در اختیار دارند، گرایش بیشتری در به دست آوردن و استفاده از اطلاعات گرانتر و با ارزش‌تر به منظور پیش بینی قدرت سودآوری آتی شرکت‌ها، نسبت به دیگر سرمایه‌گذاران دارند. سهامداران نهادی با توجه به نوع فعالیت‌های نظارتی که انجام می‌دهند می‌توانند موجب تغییر رفتار شرکت‌ها شوند [24]، زیرا سهامداران نهادی انگیزه‌های یکسانی برای نظارت بر مدیریت ندارند. بر این اساس سرمایه‌گذاران نهادی را می‌توان به دو دسته منفعل (موقت) و فعال تقسیم کرد. سرمایه‌گذاران نهادی منفعل دارای دیدگاه کوتاه مدت و گذرا هستند و برای آن‌ها قیمت جاری سهام بسیار مهم بوده و عملکرد جاری را به عملکرد بلند مدت شرکت ترجیح می‌دهند. در مقابل، سرمایه‌گذاران نهادی فعال دیدگاه بلند مدت داشته و عملکرد بلندمدت شرکت را مد نظر دارند. بنابراین انگیزه‌های زیادی برای داشتن نماینده در هیات مدیره شرکت‌های سرمایه‌پذیر، به منظور نظارت فعالانه بر تصمیمات مدیریت دارند [14]. بنابراین سهامداران نهادي بزرگ مي‌توانند اطلاعات محرمانه‌اي را كه از مديران شركت كسب مي‌كنند به ساير سهامداران منتقل نمايند و عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهند.

از سوی دیگر اثر بخشی تفکیک تصمیم گیری به وسیله مدیریت و کنترل به وسیله هیئت مدیره از آنجا سرچشمه می‌گیرد که مدیران غیر موظف به دلیل منافعشان حاضر به تبانی با مدیران موظف نیستند. از آنجا که مدیران غیرموظف بیشتر در سایر شرکت‌ها دارای سمت‌های اجرایی مدیریت یا تصمیم‌گیری هستند، انگیزه بالایی برای کسب شهرت به عنوان تخصص امر تصمیم‌گیری و برخورداری از فرصت‌های شغلی بهتر در آینده دارند. همسو نبودن انگیزه مدیران برای استفاده از ثروت مالکان برای منافع شخصی خود، با انگیزه مدیران غیرموظف برای کسب شهرت باعث بهبود نظارت بر مدیریت شرکت شده و کاهش هزینه‌های نمایندگی را در پی خواهد داشت. بنابراین اعضای غیرموظف به گونه‌ای بهتر از منافع سهامداران حمایت و مسئله نمایندگی را کنترل می‌کنند و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و سهامداران را با ارائه بهتر و با کیفیت تر اطلاعات کاهش می‌دهند.

اگرچه در ادبیات پژوهش‌های مالی و حسابداری ایران تاکنون پژوهشی که موضوع تاثیر برخی عناصر راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی انجام نشده است، لیکن در ادامه ابتدا پژوهش‌های داخلی که به بخشی‌هایی از موضوع پژوهش مربوط می‌شود، ارائه می‌گردد و سپس پژوهش‌های مرتبط انجام شده در خارج از کشور ارائه می‌شود.

بهبهانی نیا و معصومی (1395) نقش کیفیت حسابرسی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنان حاکی از عدم اثرگذاری کیفیت حسابرسی بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران است [5]. حجازی و همکاران (1395) به بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. بر اساس نتایج پژوهش، تنها چرخش موسسه حسابرسی رابطه معنی داری با عدم تقارن اطلاعاتی دارد. همچنین اندازه شرکت و نسبت بدهی با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه مثبت و معنی داری دارند [6].

حیدری و همکاران (1395) تأثير كيفيت حسابرسي بر هزينه‌هاي نمايندگي و عدم تقارن اطلاعاتي را بررسی نمودند. نتايج حاكي از آن است كه با افزايش كيفيت خدمات حسابرسي، تعارضات نشئت گرفته از تفكيك مالكيت از مديريت، شامل هزينه‌هاي نمايندگي و عدم تقارن اطلاعاتي، كاهش مي‌يابند. همچنين، بر اساس نتيجة ديگر، افزايش هزينه‌هاي نمايندگي، افزايش سطح عدم تقارن اطلاعاتي را به همراه دارد [8]. مکیان و رئیسی (1393) تأثیر حاکمیت شرکتی بر عدم تقارن اطلاعاتی را در 102 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های 1384 تا 1388 مورد بررسی قرار دادند. نتایج دلالت بر آن دارد که مالکیت سرمایه‌گذاران نهادي و اندازه هیأت مدیره رابطه منفی با عدم تقارن اطلاعاتی داشته، اما متغیرهاي نسبت مدیران غیرموظف به تعداد اعضاي هیأت مدیره و تفکیک نقش مدیرعامل از ریاست هیأت مدیره رابطه معنی‌دار با عدم تقارن اطلاعاتی را نشان نمی‌دهد [17].

خدامی پور و همکاران (1392) به بررسی تأثیر هزینه‌هاي نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بر کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد اگر براي محاسبه کیفیت حسابرسی از معیار اندازه حسابرس استفاده شود، یک رابطه منفی و معناداري بین هزینه‌هاي نمایندگی و کیفیت حسابرسی وجود دارد. در واقع، با افزایش هزینه‌هاي نمایندگی از کیفیت حسابرسی صورت‌هاي مالی کاسته شده است. همچنین یک رابطه منفی و معنادار بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت حسابرسی وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد. یافته‌هاي این تحقیق نشان می‌دهد هنگامی که براي محاسبه کیفیت حسابرسی از معیار نوع گزارش حسابرسی استفاده شد، هیچ رابطه معناداري بین هزینه‌هاي نمایندگی و کیفیت حسابرسی مشاهده نگردید. همچنین برخلاف پیش بینی، رابطه بین کیفیت حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی مثبت و معنادار شد [9].

ديدار و منصورفر و پرويزي (1391) در پژوهشي تاثیر کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین مشکلات نمایندگی و کیفیت گزارشگری مالی را بررسی نمودند. یافته های پژوهش نشان دادند كيفيت حسابرسي (به عنوان متغير ميانجي) سازوكار نظارتي قوي اي است كه مي تواند از طريق بهبود كيفيت گزار شگري مالي، مشكلات نمايندگي و مسئلة عدم تقارن اطلاعاتي را كاهش دهد. بخشي از نتايج پژوهش قبلي حاكي از آن بود كه كيفيت حسابرسي به واسطة قابل اتكاتركردن ارقام مندرج در صورت هاي مالي، موجب كاهش عدم تقارن اطلاعاتي و هزينه هاي نمايندگي مي شود [11].

فانگ و همکاران (2017) به بررسی تاثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر انتخاب حسابرس جدید پرداختند. یافته های آنان نشان داد با افزایش هزینه های نمایندگی ناشی از عدم تقارتن اطلاعاتی، حسابرسان با کیفیت کمتری انتخاب خواهند شد [25]. يعقوب زاده و همکاران (2014) نشان دادند بين انداز ة مؤسسة حسابرسي و تخصص حسابرس در صنعت، با عدم تقارن اطلاعاتي رابطة منفي وجود دارد، اما آنها بين چرخش حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتي رابطه اي مشاهده نكردند. به طور كلي، كيفيت حسابرسي در كاهش ناقرينگي اطلاعاتي در بازار سرمايه تأثير شايان توجهي دارد [29].

چن و همکاران (2013) در پژوهشی بر روی 137 شرکت طی دوره زمانی 2000 تا 2011 به بررسی ارتباط کیفیت حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی در مراحل قبل و بعد از عرضه عمومی سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی تاثیر معکوسی بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد [22]. ادريس (2013) در پژوهشي بيان كرد عدم تقارن اطلاعاتي بين شركت هاي حسابرسي شده توسط مؤسسه هاي حسابرسي بزرگ و مؤسسه هاي حسابرسي كوچك، تفاوت معناداري با يكديگر دارند [27].

حکیم و عمری (2010) به بررسی رابطه کیفیت حسابرس مستقل, عدم تقارن اطلاعاتی و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام پرداختند. معیار کیفیت حسابرس مستقل در پژوهش آنان حسابرسان چهار شرکت بزرگ، تخصص صنعتی حسابرس و دوره تصدی حسابرس است. یافته ها نشان داد اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام با حسابرسان بزرگ و تخصص صنعتی حسابرس رابطه منفی و با دوره تصدی حسابرس رابطه مثبت دارد [26].

کارمیر و همکاران (2010) رابطه بین راهبری شرکتی و عدم تقارن اطلاعات را براي 131 شرکت کانادایی در سال 2005 مورد بررسی قرار دادند. آنها در این پژوهش از نوسانات قیمت سهام و کیوتوبین به عنوان شاخص عدم تقارن اطلاعاتی استفاده نموده و با استفاده از سیستم معادلات همزمان تأثیر استقلال هیأت مدیره، اندازه هیأت مدیره، اندازه کمیته حسابرسی و افشاي راهبری را به عنوان ساز و کارهاي راهبری شرکتی بر عدم تقارن اطلاعات آزمون کرده اند. نتایج نشان می دهد که متغیرهاي نظارتی راهبری شرکتی تأثیر معنی داري بر شاخص هاي عدم تقارن اطلاعاتی داشته و در جهت کاهش آن عمل می‌نمایند [23].

لیو (2010) تأثیر برخی از ساز و کارهاي راهبری شرکتی بر عدم تقارن اطلاعاتی را طی سال 2005 در رابطه با 500 شرکت در صنایع دارویی، الکترونیک و نرم افزار مورد مطالعه قرار داده است. وي از یک مقیاس ترکیبی شامل شش ساز و کار راهبری شرکتی (اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، مالکیت هیأت مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، تعداد جلسات هیأت مدیره و مالکیت نهادي) استفاده نموده و براي راهبری شرکتی قوي ارزش یک و راهبری شرکتی ضعیف ارزش صفر داده است. به عنوان شاخص عدم تقارن اطلاعاتی در پژوهش لیو از شکاف قیمت پیشنهادي خرید و فروش و حجم معاملات استفاده شده و رابطه راهبری شرکتی بر عدم تقارن اطلاعاتی به وسیله روش رگرسیونی برآورد شده است. نتایج، رابطه منفی و معنی داري را بین شاخص راهبری شرکتی و شکاف قیمت پیشنهادي خرید و فروش و رابطه مثبت و معنی داري را با حجم معاملات نشان می دهد. به عبارت دیگر، در شرکت هاي با راهبری شرکتی قوي عدم تقارن اطلاعاتی کمتر می باشد [28].

آلماتایری و همکاران (2009) به بررسی رابطه دوره تصدی و تخصص صنعتی حسابرس با عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. آنان دریافتند عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط منفی با دوره تصدی و تخصص صنعتی حسابرس دارد [18]. کاي و همکاران (2009) اثر عدم تقارن اطلاعات را بر سه ساز و کار حاکمیت شرکتی یعنی شدت نظارت هیأت مدیره، قرار گرفتن در معرض انضباط بازار و پرداختن به حساسیت عملکرد مدیر عامل شرکت طی دوره زمانی 1996 تا 2003 بررسی نموده اند. در این مطالعه شاخص عدم تقارن اطلاعات به صورت رتبه‌اي و با استفاده از معیارهاي اندازه بنگاه، مخارج تحقیق و توسعه، کیوتوبین، تعداد تحلیلگران شرکت، خطاي پیش بینی تحلیلگران و تعداد سهامداران در نظر گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان داد که شرکت‌هایی که با عدم تقارن بیشتري روبرو هستند به استفاده از شدت نظارت هیأت مدیره تمایل کمتري دارند اما تکیه بیشتري روي انضباط بازار و انگیزه مدیرعامل شرکت دارند [21].

*با توجه به اهمیت عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی ناشی از تضاد منافع بین مالکان و مدیران و همچنین، تاثیر کیفیت حسابرسی و نظام راهبری شرکت‌ها به عنوان مکانیزم‌های کاهش هزینه‌های نمایندگی، این تحقیق درصدد است تا به بررسی تاثیر برخی عناصر راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های ایرانی بپردازد.*

**فرضیه‌های پژوهش**

با مروری بر ادبیات و مبانی نظری پژوهش و پژوهش‌های انجام شده، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر مطرح می‌شود:

1. مالکیت نهادی بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت تاثیر دارد.
2. استقلال هیئت مدیره بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت تاثیر دارد.
3. کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت تاثیر دارد.

**روش پژوهش**

برای برآورد مدل پژوهش از تحلیل رگرسیون چند متغیره بصورت داده‌های پانل (تابلویی) در نرم افزار Eviews استفاده شده است. قلمرو مکانی پژوهش، بورس اوراق بهادار تهران به منزله‌ی نمادی از بازار سرمایه کشور و قلمرو زمانی سالهای 1389 تا 1394 در نظرگرفته شده است. برای تعیین جامعه آماری، شرکت‌هایی انتخاب شدند که دارای شرایط زیر باشند:

1. سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند بوده و درطول دوره تغییر نکرده باشند؛
2. صورت‌های مالی شرکت‌ها حسابرسی شده باشد؛
3. شرکت‌های تحت بررسی جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها و لیزینگ) نباشد؛
4. معاملات سهام آنها بطور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از یک ماه نداشته باشد؛
5. اطلاعات مالی آنها در دسترس باشد.

در نهایت با در نظر گرفتن شرایط بیان شده 128 شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای نمونه آماری این مطالعه انتخاب شدند.

**مدل پژوهش**

در این پژوهش از مدل زیر در جهت تحلیل فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است که به شرح رابطه (1) می‌باشد:

|  |  |
| --- | --- |
| رابطه (1) | $$IA\_{it}=β+β\_{1}INST\_{i,t}+ β\_{2}AUDIT\_{it}+β\_{3}BOD\_{it}+β\_{4}SIZE\_{it}+β\_{5}DEBT\_{ti}+ β\_{6}GROWTH\_{it}+ε\_{it}$$ |

که در آن:

IA‌:‌ عدم تقارن اطلاعاتی که از قدر مطلق شاخص زیر برای اندازه گیری در تمام شرکت‌ها استفاده خواهد شد:

|  |  |
| --- | --- |
| رابطه (2) | $$SPREAD=\frac{AP-BP}{\frac{AP+BP}{2}}×100$$ |

SPREAD: دامنه تفاوت قيمت پيشنهادي خريد و فروش سهام

AP: ميانگين قيمت پيشنهادي فروش سهام شركت در دوره مورد بررسی

BP: ميانگين قيمت پيشنهادي خريد شركت در دوره مورد بررسي

تفاوت قيمت پيشنهادي خريد و فروش برای 21 روز قبل از تاريخ اعلام سود محاسبه گرديده و به عنوان معياري براي اندازه گيري عدم تقارن اطلاعاتي استفاده خواهد شد.

INST: مالکیت نهادی؛ درصد سهامی که به سهامداران نهادی شرکت تعلق دارد.

AUDIT: کیفیت حسابرسی؛ اندازه موسسه حسابرسی به عنوان کیفیت حسابرسی شاخص اندازه گیری خواهد بود. اگرحسابرس شرکت سازمان حسابرسی باشد برابر با یک در غیر این صورت، برابر با صفر خواهد بود.

BOD: استقلال هیئت مدیره؛ نسبت اعضائ غیر موظف هیئت مدیره به تعداد کل اعضای هیئت مدیره شرکت را نشان می دهد.

SIZE: اندازه شرکت که از لگاریتم طبیعی کل دارایی ها حاصل می‌شود.

DEBT: نسبت بدهی یا اهرم مالی که از تقسیم کل بدهی ها به کل دارایی ها شرکت بدست می‌آید.

GROWTH: رشد شرکت که از رشد فروش شرکت نسبت به سال قبل شاخص رشد شرکت بدست می‌آید.

**یافته‌های پژوهش**

**آمار توصیفی**

در نگاره (1) برخي از مفاهيم آمار توصيفي متغيرها شامل ميانگين، ميانه، حداقل و حداکثر مشاهده‌ها، انحراف معيار، چولگی و کشیدگی ارائه شده است. نگاره (1)، بیانگر مقدار پارامترهاي توصیفی براي هر متغیر می­باشد و شامل دو دسته اطلاعات می­باشد. دسته اول، مربوط به میانگین و میانه است و دسته دوم اطلاعات شامل پارامترهاي مربوط به پراکندگی نظیر انحراف معیار، چولگی و کشیدگی است که بیانگر پراکنش داده‌ها حول محور میانگین می باشد. نتایج ارائه شده در پنل الف نشان می‌دهد که میانگین نسبت بدهی 629/0 می‌باشد و نشان دهنده این است که تقریباً 9/62% منابع مالی شرکت از طریق بدهی تأمین مالی شده است. میانگین رشد فروش 8./14% می باشد که با توجه به انحراف معیار (292/0) از نوسان پذیری بالایی برخوردار است. نتایج ارائه شده در پنل ب نشان می‌دهد که تقریباً در 24% حسابرس مستقل شرکت‌های نمونه، سازمان حسابرسی می‌باشد.

**نگاره 1. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش**

|  |
| --- |
| **پنل الف: متغیرهای پیوسته** |
| متغیر | نماد | تعداد مشاهده | میانگین | میانه | حداکثر | حداقل | انحراف معیار | چولگی | کشیدگی |
| عدم تقارن اطلاعاتی | IA | 896 | **711/2** | **514/2** | **913/6** | **849/0** | **362/1** | **149/1** | **819/6** |
| مالکیت نهادی | INST | 896 | **570/0** | **573/0** | **887/0** | **0** | **142/0** | **052/0-** | **336/2** |
| استقلال هیأت مدیره | BOD | 896 | **618/0** | **6/0** | **1** | **0** | **128/0** | **842/0-** | **724/4** |
| اندازه شرکت | SIZE | 896 | **860/13** | **742/13** | **739/18** | **802/9** | **404/1** | **510/0** | **891/3** |
| نسبت بدهی | DEBT | 896 | **629/0** | **639/0** | **989/0** | **271/0** | **202/0** | **028/0-** | **179/2** |
| رشد فروش | GROWTH | 896 | **148/0** | **125/0** | **799/0** | **342/0-** | **292/0** | **460/0** | **813/2** |
| **پنل ب: متغیرهای گسسته** |
| متغیر | نماد | طبقه | فراوانی | درصد |
| کیفیت حسابرسی | AUDIT | سازمان حسابرسی | 217 | **24** |
| سایر موسسات حسابرسی | **679** | **76** |

**بررسی نرمال بودن جمله خطا**

یکی از فروض مهم راجع به جمله باقیمانده این است که توزیع جملات آن نرمال باشد. به منظور آزمون نرمال بودن جمله خطا از آماره آزمون جارکو-برا[[1]](#footnote-1) استفاده شده است. همانطور که در نگاره (2) مشاهده می‌شود، مقدار احتمال آماره آزمون جارکو-برا، در مدل پژوهش بیشتر از 5% می باشد. بنابراین فرض صفر مبنی بر نرمال بودن جزء خطا رد می شود. زمانی که اندازه نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی‌اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در شرایط مذکور، با توجه به قضیه حد مرکزی می‌توان دریافت که حتی اگر باقیمانده ها نرمال نباشند، آماره‌های آزمون به طور مجانبی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند، بدون تورش هستند و از کارآیی برخوردارند. لذا با توجه به این مطالب می توان فرض نرمال بودن جزء خطا را نادیده گرفت.

**نگاره 2. نتایج حاصل از نرمال بودن جمله خطا**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| مدل پژوهش | آماره جارکو- برا | احتمال | نتیجه |
| 3455/9 | 0093/0 | نرمال بودن جزء خطا |

**بررسی مانایی متغیرهای پژوهش**

با توجه به نگاره (3) بر اساس آزمون «لوین، لین وچو»[[2]](#footnote-2) چون مقدار احتمال همه متغیرها کمتر از 5% بوده است، همه متغیر های مستقل، وابسته و کنترلی در دوره پژوهش در سطح پایا[[3]](#footnote-3) بوده­اند پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال­های مختلف ثابت بوده است. همانگونه که در نگاره (3) ملاحظه می‌شود همه متغیرها مانا هستند و نیازی به آزمون هم جمعی وجود ندارد. بنابراین مشکل رگرسیون کاذب در ضرایب برآوردی وجود نخواهد داشت در رگرسیون کاذب معنی‌دار ضرایب به صورت کاذب است.

**نگاره 3. نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| متغیرها | نماد | لوین، لین و چو | نتایج |
| آماره | احتمال |
| عدم تقارن اطلاعاتی | IA | 4263/20- | 0000/0 | مانا |
| مالکیت نهادی | INST | 5453/17- | 0000/0 | مانا |
| کیفیت حسابرسی | AUDIT | 1306/3- | 0000/0 | مانا |
| استقلال هیأت مدیره | BOD | 3270/7 | 0000/0 | مانا |
| اندازه شرکت | SIZE | 9492/2- | 0000/0 | مانا |
| نسبت بدهی | DEBT | 1411/11- | 0000/0 | مانا |
| رشد فروش | GROWTH | 8968/17- | 0000/0 | مانا |

**ثابت بودن واریانس جزء خطا**

در این پژوهش فرض همسانی واریانس باقیمانده ها از طریق آزمون وایت[[4]](#footnote-4) مورد بررسی قرار گرفت. که نتایج آن در نگاره (4) نشان می‌دهد که فرض صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد می‌شود. بنابراین، به منظور رفع ناهمسانی واریانس در مدل پژوهش از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است.

**نگاره 4. نتایج حاصل از آزمون ثابت بودن واریانس جمله خطا**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| مدل پژوهش | آماره F | احتمال | نتیجه |
| 7575/17 | 0000/0 | ناهمسانی واریانس خطا ها |

**آمار استنباطی**

نتایج حاصل از آزمون مدل پژوهش در نگاره (5) ارائه شده است. همانطور که در نگاره (5) مشاهده می‌شود ضریب متغیر مالکیت نهادی، 382262/0- بوده که نشان دهنده تأثیر منفی مالکیت نهادی بر عدم تقارن اطلاعاتی می باشد که با توجه به احتمال ضریب متغیر مالکیت نهادی (0367/0) در سطح اطمینان 95% معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان 95% فرضیه اول پژوهش را تأیید شده تلقی نمود این موضوع نشان دهنده این است مالکیت نهادی بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر منفی و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش سطح مالکیت نهادی، سطح عدم تقارن اطلاعاتی شرکت ها کاهش می یابد.

همچنین ضریب متغیر استقلال هیئت مدیره، 651317/0- بوده که نشان دهنده تأثیر منفی استقلال هیئت مدیره بر عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد که با توجه به احتمال ضریب متغیر استقلال هیئت مدیره (0483/0) در سطح اطمینان 95% معنی دار می باشد، بنابراین فرضیه دوم پژوهش پذیرفته می‌شود یعنی استقلال هیئت مدیره بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر منفی و معناداری دارد به عبارت دیگر، با افزایش استقلال هیئت مدیره، سطح عدم تقارن اطلاعاتی شرکت ها کاهش می یابد.

ضریب متغیر کیفیت حسابرسی نیز 139542/0- می‌باشد که نشان دهنده تأثیر منفی کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی می باشد که با توجه به احتمال ضریب متغیر کیفیت حسابرسی (0002/0) در سطح اطمینان 95% معنی دار می باشد، بنابراین فرضیه سوم پژوهش را تأیید شده تلقی نمود این موضوع نشان دهنده این است کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر منفی و معناداری دارد به عبارت دیگر، در صورت بالا بودن کیفیت حسابرسی، سطح عدم تقارن اطلاعاتی شرکت ها کاهش می یابد.

علاوه بر این سایر نتایج نشان می‌دهد که اندازه شرکت و نسبت بدهی بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر منفی و معناداری دارند در حالی که، رشد فروش بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر معناداری ندارد. همچنین مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر 0000/0 بوده و چون این مقدار کمتر از 05/0 است، فرض صفر در سطح اطمینان 95 درصد رد می شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دربین- واتسون 920/1 می باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها را نشان می دهد. نتایج مربوط به ضريب تعيين تعدیل شده نشان مي دهد، تقريباً 21/34% تغييرات متغير وابسته به وسيله متغيرهاي مستقل و کنترلی مدل، توضيح داده مي شوند.

**نگاره 5. نتایج تخمین مدل پژوهش**

|  |
| --- |
| متغیر وابسته: عدم تقارن اطلاعاتی |
| متغیر | نماد | ضریب برآوردی | خطای استاندارد | آماره t | احتمال |
| *مقدار ثابت* | C | 127958/2 | 191433/0 | 11595/11 | 0000/0 |
| مالکیت نهادی | INST | 382262/0- | 182733/0 | 091909/2- | 0367/0 |
| کیفیت حسابرسی | AUDIT | 139542/0- | 070577/0 | 977173/1- | 0483/0 |
| استقلال هیأت مدیره | BOD | 651317/0- | 176376/0 | 692773/3- | 0002/0 |
| اندازه شرکت | SIZE | 070466/0- | 011192/0 | 295892/6- | 0000/0 |
| نسبت بدهی | DEBT | 249660/0- | 095509/0 | 613995/2- | 0091/0 |
| رشد فروش | GROWTH | 334488/0 | 341395/0 | 979770/0 | 3275/0 |
| ضريب تعيین تعديل شده | 3421/0 | آماره F | 785/39 |
| دوربين-واتسون | 92/1 | احتمال (آماره F) | 0000/0 |

**بحث و نتیجه‌گیری**

در این پژوهش، تاثیر برخی عناصر راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران در طی دوره 1389 تا 1394 مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا تأثیر مالکیت نهادی بر عدم تقارن اطلاعاتی مورد بررسی قرار گرفت که یافته‌ها نشان داد مالکیت نهادی بر عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر منفی و معناداری دارد، بنابراین با افزایش مالکیت نهادی به تدریج عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد، در نتیجه اطلاعات بصورتی شفاف‌تر و بطور گسترده در اختیار سایر استفاده‌کنندگان نیز قرار خواهد گرفت. سپس نشان داده شد که استقلال هیئت مدیره نیز بر عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر منفی و معناداری دارد، بنابراین استقلال هیئت مدیره بعنی وجود مدیران غیرموظف در ترکیت هیات مدیره به عنوان یکی از ساز و کارهای مهم حاکمیت شرکتی موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. همچنین نتایج حاصل از بررسی فرضیه سوم پژوهش نیز نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر منفی و معناداری دارد، بنابراین در صورت بالا بودن کیفیت حسابرسی، سطح عدم تقارن اطلاعاتی شرکت ها کاهش می یابد. همچنین سایر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اندازه شرکت و نسبت بدهی در سطح 95% بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر منفی و معناداری دارند در حالی که، رشد فروش بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر معناداری ندارد.

**منابع**

1. احمدی، محمدرمضان و کامران جمالی. (1392). تاثیر کیفیت حسابرسی بر بازده آتی سهام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره 20، صص 1 – 20.
2. اعتمادي، حسين و رحماني، علي و آذر، عادل و رضا حصارزاده. (1391). ﻧﻘﺪ ﭘﮋوﻫﺶ‌ﻫﺎي ﻛﻴﻔﻴﺖ ﮔﺰارﺷﮕﺮي ﻣﺎﻟﻲ و اراﻳﻪ ﻧﻈﺮﻳﻪ اطلاﻋﺎت-ﻋﺪم اﻃﻤﻴﻨﺎن ﻣﺤﻮر ﺟﻬﺖ اراﻳﻪ ﺗﻌﺮﻳﻒ ﻣﻔﻬﻮﻣﻲ ﻛﻴﻔﻴﺖ. : حسابداري مديريت، دوره 5، شماره 15، صص 1-18.
3. بادآورنهندي، یونس و وحید تقي زاده خانقاه. (1392). ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کارآیی سرمایه گذاری. بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره 20، صص 19 – 42.
4. بلالی، حسن و کبری نورشاهی. (1392). کیفیت اطلاعات حسابداری و مخارج سرمایه ای شرکت ها: دیدگاهی مبتنی بر نظریه نمایندگی. مجله مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره 5، صص 123-144.
5. بهبهانی نیا، پریسا سادات و جواد معصومی. (1395). نقش کیفیت حسابرسی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی. مجله دانش حسابداری مالی، دوره سوم، شماره 4، پیاپی 11، صص 93-106.
6. حجازی، رضوان و زارعی، بتول و فرهاد حاتمی. (1395). *تاثیر کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی*. مجله بررسی‌های حسابداری، دوره 3، شماره 10، صص 1-18.
7. حساس یگانه، یحیی و ولی اله جعفری. (1389). بررسي تأثير چرخش موسسات حسابرسي بر كيفيت گزارش حسابرسي شركت هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامۀ بورس اوراق بهادار، 9،صص 25-42.
8. حیدری، مهدی و قادری، بهمن و پیمان رسولی. (1395). بررسي تأثير كيفيت حسابرسي بر هزينه هاي نمايندگي و عدم تقارن اطلاعاتي: رويكرد الگو سازي معادلات ساختاري. مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره 23، شماره 3، صص 353-372.
9. خدامی پور، حمید و دلدار، مصطفی و وحید محمدرضاخانی. (1392). تأثیر هزینه‌هاي نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی برکیفیت حسابرسی. دانش حسابرسی، سال سیزدهم، شماره 50، صص 119 – 136.
10. دهقان، الهام. (1396). بررسی تاثیر برخی عناصر راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداري، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامي، واحد تهران شمال.
11. دیدار، حمزه و منصورفر، غلامرضا و محمدرضا پرویزی راحت. (1391). بررسي اثر ميانجي كيفيت حسابرسي در رابطه بين مشكلات نمايندگي و كيفيت گزارشگري مالي. دوره 2، شماره 6، صص 115-132.
12. سجادی، سید حسین و فرازمند، حسن و عبدالله تاج الدینی. (1392). تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه ی سرمایه ی سهام عادی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره 3، شماره 2، صص 109-128.
13. فخاری، حسین و عصمت السادات طاهری. (1389). *بررسی رابطه سرمایه‌گذاران نهادی و نوسان پذیری بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*. مجله پژوهش‌های حسابداری، سال دوم، شماره چهارم، شماره پیاپی 6، صص 159-172.
14. فخاری، حسین و کاشانی‌پور، محمد و محمدعلی رجب بیکی. (1393). *بررسی نقش نظارتی ساختار مالکیت و خط مشی بدهی بر کنترل مشکلات نمایندگی ناشی از جریانهای نقدی آزاد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران*. مجله پيشرفت‌های حسابداری دانشگاه شيراز، دوره ششم، شماره اول، صص 63-90.
15. کردستانی، غلام رضا و مصطفی رحیمی. (1389). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی با هزینه سرمایه سهام عادی و مدیریت سود. مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره 26، صص 71-92.
16. مشایخی، بیتا و مهرانی، کاوه و رحمانی، علی و آزاده مداحی. (1392). تدوین مدل کیفیت حسابرسی. مجله بورس اوراق بهادار، شماره 23، صص 137-103.
17. مکیان، سیدنظام الدین و مهدی رئیسی. (1393). تأثیر حاکمیت شرکتی بر عدم تقارن اطلاعاتی مطالعه موردي: بازار بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهشهاي اقتصادي (رشد و توسعه پایدار)، سال چهاردهم، شماره 4، صص 1-22.
18. Almutairi, A.R., Dunn, K.A. and Skantz, T. (2009). Auditor Tenure, Auditor Specialization & Information Asymmetry. Manageriel Auditing Journal, 24 (7): 600-623.
19. Bhattacharya, N. Desai, H. Venkataraman, K. (2013). Does Earnings Quality Affect Information Asymmetry? Evidence from Trading Cost. Accounting Research Vol.30 No.2
20. Bushee, B. J. (1998). The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior. The Accounting Review, No 3, Pp. 305-333.
21. Cai, J., Liu, Y., & Qian, Y. (2009) Information Asymmetry and Corporate Governance; available at: <http://ssrn.com/>.
22. Chen, H.L., Ho, M.H.C. and Hsu, W.T. (2013). Does Board Social Capital Influence Chief Executive Officers' Investment Decisions in Research and Development? R&D Management, 43 (4): 381-393.
23. Cormier, D., Ledoux, M. J. e., Magnan, M., & Aerts, W. (2010). Corporate Governance and Information Asymmetry between Managers and Investors; Corporate Governance, 10(5): 574-89.
24. El-Gazzar, S. M. (1998). Predisclosure Information and Institutional Ownership: A Cross-Sectional Examination of Market Revaluations during Earnings Announcement Periods. The Accounting Review, Pp.119–129.
25. Fung. S. Y. K., & Wang. Z., & Zhang. L., & Zhu. X. (2017). On the Causal Effect of Information Asymmetry on Auditor Choice: Evidence from a Natural Experiment. Working Paper.
26. Hakim, F. and Omri, M.A. (2010). Quality of the External Auditor, Information Asymmetry, and Bid-ask Spread. International Journal of Accounting & Information Management, 18 (1): 5-18.
27. Idiris, V. (2013). The relationship between information asymmetry and the quality of audit: An empirical study in Istanbul Stock Exchange. International Business Research, 6(10), 132-140.
28. Liao, C. H. (2010) Does Corporate Governance Reduce Information Asymmetry of Intangibles? Cace Western Reserve University.
29. Yaghoobnezhad, A. Royaee, R. & Gerayli, M. S. (2014). The effect of audit quality on information asymmetry: empirical evidence from Iran. Asian Journal of Research in Banking and Finance, 4(1), 128-139.

The effect of Some Elements of Corporate Governance and Audit Quality on Information Asymmetry

**Abstract**

The present study investigates the effect of corporate governance and audit quality on information asymmetry in listed companies in Tehran Stock Exchange. In this research, the financial information of 128 companies from listed companies in Tehran Stock Exchange between the years 2010 to 2015 is reviewed. In this research, a hybrid regression model was used to test hypotheses. The results of hypothesis testing show that institutional ownership, board independence and audit quality have a negative and significant effect on information asymmetry. In other words, with increasing institutional level, the independence of the board and in case of high audit quality, decreases the level of the information symmetry of companies.

**Keywords**: Corporate Governance, Audit Quality, Information Asymmetry.

1. - Jarque-Bera [↑](#footnote-ref-1)
2. - Levin, Lin & Chu. [↑](#footnote-ref-2)
3. - Stationarity [↑](#footnote-ref-3)
4. - White [↑](#footnote-ref-4)